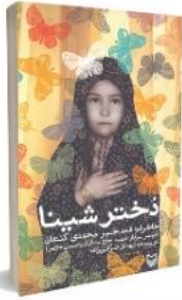


معرفی کتاب (دختر شینا)



«دختر شینا» روایت خاطرات قدم‌خیز محمدی کنعان، همسر سردار شهید ستار ابراهیمی از شهدای برجسته استان همدان است که در عملیات والفجر ۸ به شهادت رسید. قدم خیر محمدی کنعان (۱۳۴۱) راوی کتاب، در ۱۴ سالگی با ستار (صمد) ابراهیمی هم‌باز می‌کند و صاحب پنج فرزند می‌شوند. در بیست و چهار سالگی شوهرش را در جنگ از دست می‌دهد و از آن زمان و با وجود ۵ فرزند، ازدواج نکرد و به تنهایی فرزندانش را بزرگ کرد. بهناز ضرابی‌زاده که نگارش این اثر را برعهده داشته، درباره شخصیت راوی کتاب می‌نویسد: این موضوع برای من بسیار تأمل برانگیز بود، زنی که در روستا زندگی می‌کرد به فضای شهر آمده و به تنهایی در اوج جوانی، تمام هم و غمش بزرگ کردن فرزندانش شده بود بنابراین تصمیم گرفتم درباره فراز و نشیب‌های زندگی این زن با او مصاحبه کنم. کتاب «دختر شینا» توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده است. می‌شود.

اولین شلیک در جنگ

ملک حسین، پادشاه وقت اردن، شلیک کننده اولین گلوله ای بود که از یک دستگاه تانک در جنگ ایران و عراق شلیک شد حامد الجبوری، بعضی کهنه کار که در چهار سال اول جنگ وزیر خارجه عراق بود در گفت و گو با روزنامه الحیات گفت: ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹) بود که صدام و ملک حسین در نزدیکی خطوط آتش، روی یک دستگاه تانک رفتند و پادشاه اردن با شلیک اولین گلوله، آغاز جنگ را تبریک گفت. این خبر به قدری مهم و باور نکردنی است که خبرنگار الحیات با حیرت دوباره پرسید: شما مطمئن هستید؟! و پاسخ حامد الجبوری مثبت بود.

چرا جنگ را «دفاع مقدس» می‌نامیم؟

جنگ هشت ساله را به دلایل زیر می‌توان دفاع مقدس نامید:
۱. ما آغازگر جنگ نبودیم؛ این ادعای ما نیست. سرانجام یک حکم مقبول بین المللی روشن کرد که صدام متجاوز و مهاجم بوده است. بنابراین عنوان دفاع و پایداری عنوان پذیرفته شده‌ای است که از جانب الف، مجامع جهانی، ب. واقعیت بیرونی، ج. تجربه‌های بعدی، د. مدارک و اسناد حمایت می‌شود. به این اعتبار می‌توان «دفاع هشت ساله» را «دفاع مقدس» نامید.
۲. «دفاع» ما مبتنی بر باورها و اعتقادات و ارزش‌های دینی به ویژه شیعی بود با دلایل:

الف. شعارها، نام عملیات‌ها، زمان‌های خاص، جلوه‌ها و شعار درون جبهه
ب. دفاع، جزئی از انقلاب اسلامی - نه پدیده‌ای عارضی - بود بلکه ماهیت انقلاب اسلامی بودن نظام حاکم، سبب جنگ شده بود.
ج. همه مظاهر و مؤلفه‌های دفاع مدافعان، صبغه و نمود دینی داشتند مانند وصیت نامه‌ها، پیشانی بندها، مزار نوشته‌ها، مراسم قربانیان، آثار به جا مانده از شهدا (مهر و تسبیح و...)
د. از همه مهمتر انگیزه‌های اصلی رزمندگان، دین و باور دینی و پذیرش رهبری دینی بوده است.
به استناد این دلایل و پیوستگی دین با امور قدسی می‌توان گفت این دفاع «مقدس» بوده است. با این مقدمه مقبول، عنوان «دفاع مقدس» رساترین عنوان است؛ بنابراین عناوین فرعی چون هنر دفاع مقدس، سینمای دفاع مقدس و ادبیات دفاع مقدس قابل توجیه و خدشه ناپذیر است.

اگر شهیدی خروپف کرد؛ یعنی منم!

جدیت و شوخ طبعی، دو روی یک سکه هستند؛ هر قدر موقعیتی که در آن قرار گرفته‌ای، جدی‌تر و حیاتی‌تر باشد، به همان نسبت نیاز بیشتری به شوخ طبعی و طنز پیدا می‌کنی؛ آن هم نه طنزی که فرمایشی و دستوری و زورکی باشد، بلکه یک طنز واقعی و اصیل و مایه‌دار. ماجرای طنز در جبهه‌ها نیز چنین بود. وقتی در نزدیک‌ترین فاصله با مرگ قرار می‌گرفتی، دیگر همه چیز دنیا برایت شوخی می‌شد؛ حتی خود مرگ. حرف‌هایمان گل انداخته بود و داشتیم از شهادت صحبت می‌کردیم. بحث این بود که بعضی‌ها پیکرشان زیر آتش می‌ماند و خمپاره می‌خورد و قابل شناسایی نیستند؛ در این صورت چه باید کرد؟ هر کسی داشت نشانه‌ای می‌داد تا اگر یک وقت شهید شد و قابل شناسایی نبود او را بشناسیم؟ «این انگشتی را می‌بینی؟ این دست من است، موقع شهادت اگر دیدی، بفهمین که منم.» «این تسبیح را می‌بینی؟ این رو دور گردنم می‌اندازم، بفهمین که منم.» وسط این بحث‌های جدی، یکی از بچه‌ها ناگهان گفت: «من عادت دارم توی خواب، خروپف کنم. در نتیجه، اگر اومدین و دیدین که شهیدی توی خواب داره خروپف می‌کنه، شک نداشته باشین که منم.»

